

جهت اطلاع مدیران عامل محترم بانک‌های دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پست بانک، مؤسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران - ونزوئلا ارسال می‌شود.

با سلام؛

احتراماً، همانگونه که مستحضرنند پس از تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در سال ۱۳۸۷، ترتیبات تملک سهام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی تغییر یافت. به گونه‌ای که به موجب ماده ۵ قانون مذکور، سقف مجاز تملک سهام بانک‌های غیردولتی، بانک‌های دولتی مشمول واگذاری، مؤسسات مالی و اعتباری و سایر بنگاه‌های واسطه پولی - اعم از این که قبل از تصویب آن تأسیس شده بودند و یا پس از آن تأسیس می‌شدند - به طور مستقیم یا غیرمستقیم، برای هر شرکت سهامی عام یا تعاونی سهامی عام یا هر مؤسسه و نهاد عمومی غیردولتی "ده درصد" و برای اشخاص حقیقی و سایر اشخاص حقوقی "پنج درصد" تعیین شد. به استناد همان ماده قانونی، معاملات بیش از سقف‌های مذکور باطل و ملغی‌الآثر اعلام شد و تملک سهام بانک‌ها بیش از سقف‌های مجاز از طریق ارث نیز مشمول حکم یادشده گردید و وراثت و یا اولیای قانونی آن‌ها ملزم به فروش سهام مازاد بر سقف، ظرف مدت دو ماه پس از صدور گواهی حصر وراثت شدند. بر همان اساس، اشخاص حقیقی سهامدار بانک‌ها و اعضای خانواده آن‌ها شامل همسر، فرزندان و همسران آن‌ها، برادر، خواهر، پدر و مادر منحصراً تا سقفی می‌توانستند سهام داشته باشند که نتوانند مشترکاً بیش از یک عضو هیأت مدیره را در بانک ذی‌ربط تعیین کنند.

استحضار دارند که حکم قانونی مذکور از آن حیث که واجد ابهامات و ضعف‌هایی بود، آن گونه که انتظار می‌رفت اجرایی نشد. از جمله دلایل قابل ذکر در این خصوص می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

- ❖ عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای بازدارنده و مؤثر در قانون برای اشخاصی که به هر دلیلی مایل به واگذاری مازاد سهام خود نبودند و یا به طریقی، بیش از آن چه مجاز است، سهام بانک‌ها را تملک کرده بودند.
- ❖ عدم مشخص بودن سقف مجاز تملک سهام بانک‌ها توسط اعضای یک خانواده. همان گونه که اشاره شد، به موجب قانون، سقف مجاز تملک سهام بانک‌ها توسط اشخاص، ۵ و ۱۰ درصد حسب مورد تعیین شده بود. از سوی دیگر، در متن قانون آمده بود اعضای یک خانواده منحصراً تا سقفی می‌توانند سهام داشته باشند که نتوانند مشترکاً بیش از یک عضو هیأت مدیره را در بانک تعیین کنند. چنین معیار و مبنایی بسته به شرایط می‌توانست متفاوت و متغیر باشد. به عنوان مثال، چنانچه هیأت مدیره بانکی متشکل از ۵ نفر باشد، در فرض برگزاری مجمع با حضور تمامی سهامداران، اعضای یک خانواده، مجاز به تملک حداکثر ۲۰ درصد سهام بانک بودند. بدیهی است چنین

فرضی (حضور صد درصدی دارندگان حق رأی در مجامع) در عالم واقع کمتر محتمل است و تصمیمات مجامع با نصاب‌های کمتر نیز معتبر است. لذا در این صورت، همان خانواده فرضی پیش‌گفته با داشتن ۲۰ درصد سهام که با فرض فوق‌الذکر فاقد اشکال بود، چه بسا با ۲۰ درصد سهام می‌توانست ۲ عضو هیأت مدیره را تعیین کند که واجد اشکال بود. ضمن آن که، اگر مجموع اعضای یک خانواده دارای ۳۰ درصد سهام یک بانک/مؤسسه اعتباری بود، ولی به انتخاب فقط یک عضو هیأت مدیره بسنده کرده و رضایت می‌داشت، مشخص نبود که تملک چنین حدی از سهام مغایر حکم قانونی مذکور است یا خیر؟ چنین وضعیتی معیار دوگانه‌ای را موجب شده بود که امکان کنترل و نظارت دقیق را از مقام ناظر سلب می‌نمود.

❖ عدم تأمین هدف قانون‌گذار و عدم امکان شناسایی مالکان واقعی بانک‌ها - که امری بسیار مهم در نظارت بانکی است - به سبب دور زدن قانون از سوی برخی اشخاص و تملک سهام بانک‌ها بیش از آن‌چه مقرر است به انحای گوناگون، از جمله خرید سهام بانک از طریق اشخاص مختلف با هدف رعایت صوری قانون و سپس اخذ وکالت از اشخاص مذکور برای خلع و سلب تمامی حقوق ناشی از سهام آن‌ها.

چالش‌ها و مشکلات مذکور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران را بر آن داشت تا مطالعه و بررسی تطبیقی را در این زمینه با هدف آگاهی از الگوهای متداول چارچوب مقرراتی تملک سهام بانک‌ها در سایر کشورها به انجام رساند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که در بیشتر کشورها، تمرکز در سهامداری بانک‌ها نسبت به تمرکززدایی که هدف ماده (۵) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی بوده، امری غالب می‌باشد. علت نیز آن است که بانک‌ها در اختیار سهامداران شناخته شده و دارای امکانات مالی، کارشناسی، تخصصی، مدیریتی و مسئولیت‌پذیر قرار می‌گیرد که فرآیند پاسخ‌گویی را شفاف‌تر و مراجع نظارتی را قادر می‌سازد نظارت مؤثرتری را نسبت به بانک‌ها داشته باشند. الگوی غالب کشورها فارغ از درجه توسعه‌یافتگی در خصوص مقررات ناظر بر تملک سهام بانک‌ها آن است که سطوح مختلفی برای تملک سهام مؤسسات مذکور (۱۰، ۲۰، ۳۳، ۵۰، ۶۶ و بیشتر که هر یک از سطوح بیانگر امکان کسب یک کرسی هیأت مدیره است) در قانون تعریف می‌شود. در این حالت، اشخاص برای تملک سهام بانک‌ها تا سقف مشخصی (۱۰ درصد) نیاز به مجوز خاصی ندارند. لیکن امکان تملک سهام بیش از آن، صرفاً با موافقت و مجوز مقام نظارت بانکی امکان‌پذیر است. مقام نظارت بانکی نیز مبتنی بر ضوابطی مدون و صرفاً در صورت احراز حائز شرایط بودن متقاضی، اتخاذ تصمیم می‌نماید. همچنین مقام نظارت بانکی از اختیارات کافی برای الزام برخی سهامداران که مخاطره‌ای برای مدیریت صحیح بانک محسوب می‌شوند و یا بدون مجوز، بیش از حدود مقرر، سهام بانکی را تملک نموده‌اند، به واگذاری سهام

به غیر برخوردار است. ضمن آن که در این الگو، تمایزی بین اشخاص حقیقی یا حقوقی برای تملک سهام بانکها وجود ندارد. ماحصل اجرای صحیح چنین تدابیری آن است که بانکها در اختیار سهامداران شناخته شده و دارای امکانات مالی، کارشناسی، مدیریتی و نظارتی و در عین حال مسئولیت پذیر قرار می گیرند تا در مواقع لزوم از جمله زمانی که بانک به لحاظ نقدینگی دچار مشکل و کمبود می شود، از توان مالی آنها برای افزایش سرمایه و تزریق منابع جدید به بانک استفاده شود. به تبع آن نیز، بانکها از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار می شوند و مرجع نظارت بانکی می تواند ملاحظات نظارتی خود را از طریق سهامداران عمده و واجد شرایط جامعه عمل بپوشاند. گفتنی است که توأمان، مراجع نظارت بانکی از طریق وضع محدودیتها و الزاماتی، مراقبت می نمایند که بانک به منبع مالی ترجیحی مالکان خود تبدیل نشود. از دیگر نتایج و یافته های بررسی های این بانک، مشخص شدن این موضوع بود که تمرکز سهام بانکها علاوه بر آن که واجد آثار مثبت نظارتی است، از منظر سهامداران نیز مفید بوده و می تواند موجب ارتقای کارآمدی و کنترل های داخلی بانکها شود.

با عنایت به موارد پیش گفته، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی سالیان اخیر تلاش نمود تا ماده (۵) قانون اجرای سیاست های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی از طریق تنظیم لایحه ای مورد بازنگری قرار دهد. توأمان پس از طرح موضوع توسط این بانک و تشریح ابعاد مختلف آن، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی نیز طرحی را بر مبنای ملاحظات و نظرات بانک مرکزی برای اصلاح ماده (۵) قانون اجرای سیاست های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی تهیه کردند که نهایتاً تحت عنوان "قانون اصلاح قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهارم (۴۴) قانون اساسی" در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۳/۲۲ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و در تاریخ ۱۳۹۷/۴/۲۰ مورد تأیید شورای نگهبان قانون اساسی واقع شد.

در ماده (۱) قانون جدید که جایگزین ماده (۵) قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهارم (۴۴) قانون اساسی شده، مقرر گردیده است: "تملك سهام مؤسسات اعتباری اعم از بانکها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی که قبل یا بعد از تصویب این قانون تأسیس شده یا می شوند یا بانک های دولتی که سهام آنها واگذار می شود تا سقف ده درصد (۱۰٪) توسط مالک واحد بدون اخذ مجوز مجاز است. همچنین تملك سهام هر یک از مؤسسات اعتباری مزبور توسط مالک واحد در دو سطح بیش از ده درصد (۱۰٪) تا بیست درصد (۲۰٪) و بیش از بیست درصد (۲۰٪) تا سی و سه درصد (۳۳٪) با مجوز بانک مرکزی و به موجب دستور العملی که به پیشنهاد بانک مرکزی و تصویب شورای پول و اعتبار مصوب می شود مجاز می باشد. تملك سهام سایر مؤسسات اعتباری به هر میزان توسط مالک واحدی که در یکی از مؤسسات اعتباری بیش از ده درصد (۱۰٪) سهامدار است، بدون مجوز بانک مرکزی ممنوع است. وفق تبصره (۱) این ماده، «مالک واحد به شخص یا اشخاص حقیقی یا

حقوقی به طور مستقل یا بیش از یک شخص حقیقی یا حقوقی اطلاق می شود که به تشخیص بانک مرکزی و در قالب دستورالعمل شورای پول و اعتبار، دارای روابط مالی، خویشاوندی (سببی و نسبی) نیابتی یا مدیریتی با یکدیگر می باشند». همچنین تبصره (۲) مقرر می دارد « مالک سهام مؤسسات اعتباری بیش از حدود مجاز ذکر شده، نسبت به سهام مازاد، فاقد حقوق مالکیت اعم از حق رأی، دریافت حق تقدم و دریافت سود می باشد و درآمد حاصل از سود سهام توزیع شده و حق تقدم فروش رفته نسبت به سهام مازاد، مشمول مالیات با نرخ صد درصد (۱۰۰٪) می شود و حق رأی ناشی از سهام مازاد در مجامع عمومی به وزارت امور اقتصادی و دارایی تفویض می شود...». به علاوه، بر اساس تبصره (۳) این قانون، بانک مرکزی با تصمیم هیأت انتظامی بانکها، دارای اختیار ابطال مجوز تملک مالک واحد در سطوح بیش از ۱۰ درصد می باشد. همچنین تبصره (۴) ماده قانونی جدید مقرر می کند « اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی و غیرایرانی، از تاریخ ابلاغ این قانون در شمول حکم این ماده یکسان هستند».

در خاتمه، ضمن ایفاد یک نسخه از قانون مذکور و اعلام این که ضوابط اجرایی حکم قانونی فوق الذکر توسط بانک مرکزی در دستور کار قرار گرفته است، خواهشمند است دستور فرمایند مراتب به قید تسریع و با لحاظ مفاد بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۹۱۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۶، به تمامی واحدهای ذی ربط و همچنین سهامداران آن بانک/مؤسسه اعتباری غیربانکی ابلاغ و اطلاع رسانی شود. /۳۸۴۹۷۷۵/ح

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی

اداره مطالعات و مقررات بانکی

عبدالمهدی ارجمندنژاد حمیدرضا غنی آبادی

۳۸۱۶

۳۲۱۵-۰۲

۵۳۶۴۵

۱۳۹۷ / ۴ / ۲۸



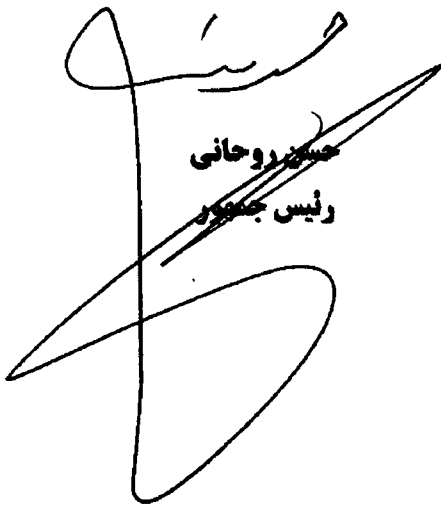
جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

بسمه تعالی

وزارت امور اقتصادی و دارایی

در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست «قانون اصلاح قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» که در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ بیست و دوم خرداد ماه یکهزار و سیصد و نود و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۹۷/۴/۲۰ به تایید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۳۴۳/۳۲۰۸۱ مورخ ۱۳۹۷/۴/۲۵ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده، جهت اجراء ابلاغ می گردد.


حسین روحانی
رئیس جمهور

دروید دفتر دبیرخانه شورای پول و اعتبار
بیات حال

شماره ۹۷/۴۰۶۱۸

رونوشت:

دفتر مقام معظم رهبری - دفتر رئیس جمهور - دفتر ریاست قوه قضائیه - دفتر ریاست مجلس شورای اسلامی - دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام - دبیرخانه شورای نگهبان - دفتر معاون اول رئیس جمهور - معاونت امور مجلس رئیس جمهور - معاونت حقوقی رئیس جمهور - کلیه وزارتخانه ها، سازمانها، موسسات دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و استانداریهای سراسر کشور - دیوان محاسبات کشور - دفتر هیات دولت - دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت - معاونت امور تقنینی معاونت امور مجلس - معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی - معاونت ارتباطات و اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهور - اداره کل پیگیری طرح ها و لوایح - اداره کل اسناد و تنقیح قوانین مجلس شورای اسلامی - اداره کل تدوین قوانین مجلس شورای اسلامی - معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات نهاد ریاست جمهوری - سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران - روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران (جهت درج در روزنامه) ۱۳۹۷/۴/۲۵

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر حسن روحانی
رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران

در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران قانون اصلاح قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و
چهارم (۴۴) قانون اساسی که با عنوان طرح به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده
بود، با تصویب در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۷/۳/۲۲ و تأیید شورای
محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ می‌شود.

علی لاریجانی

دبیرخانه مرکزی ریاست جمهوری

شماره: ۵۱۶۷۵

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۴/۲۵

قانون اصلاح قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی

ماده ۱- متن زیر جایگزین ماده (۵) قانون و تبصره‌های آن می‌شود:

ماده ۵- مؤسسات اعتباری اعم از بانکها و غیربانکی غیردولتی که قبل یا بعد از تصویب این قانون تأسیس شده یا می‌شوند، یا بانکهای دولتی که سهام آنها واگذار می‌شود، صرفاً در قالب شرکتهای سهامی عام و تعاونی سهامی عام مجاز به فعالیت هستند، تملک سهام این مؤسسات تا سقف ده درصد (۱۰٪) توسط مالک واحد بدون اخذ مجوز مجاز است. همچنین تملک سهام هر یک از مؤسسات اعتباری مزبور توسط مالک واحد در دو سطح بیش از ده درصد (۱۰٪) تا بیست درصد (۲۰٪) و بیش از بیست درصد (۲۰٪) تا سی و سه درصد (۳۳٪) با مجوز بانک مرکزی و به موجب دستورالعملی که به پیشنهاد بانک مرکزی و تصویب شورای پول و اعتبار، مصوب می‌شود مجاز می‌باشد. تملک سهام سایر مؤسسات اعتباری به هر میزان توسط مالک واحدی که در یکی از مؤسسات اعتباری بیش از ده درصد (۱۰٪) سهامدار است، بدون مجوز بانک مرکزی ممنوع است.

تبصره ۱- مالک واحد به شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی به‌طور مستقل یا بیش از یک شخص حقیقی یا حقوقی اطلاق می‌شود که به تشخیص بانک مرکزی و در قالب دستورالعمل شورای پول و اعتبار، دارای روابط مالی، خویشاوندی (سببی یا نسبی)، نیابتی یا مدیریتی با یکدیگر می‌باشند.

تبصره ۲- مالک سهام مؤسسات اعتباری بیش از حدود مجاز ذکرشده، نسبت به سهام مازاد، فاقد حقوق مالکیت اعم از حق رأی، دریافت حق تقدم و دریافت سود می‌باشد و درآمد حاصل از سود سهام توزیع شده و حق تقدم فروش رفته نسبت به سهام مازاد مشمول مالیات با نرخ صد درصد (۱۰۰٪) می‌شود و حق رأی ناشی از سهام مازاد در مجامع عمومی به وزارت امور اقتصادی و دارایی تفویض می‌شود. مالک واحدی که تا پیش از تصویب این قانون، دارنده سهام هر یک از مؤسسات اعتباری بیش از حدود مجاز شده است، فرصت دارد ظرف مدت یک سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون یا

وقوع حادثه قهری، نسبت به اخذ مجوز لازم برای هر سطح اقدام و یا مازاد سهام خود را واگذار نماید، در غیر این صورت مشمول مقررات صدر این تبصره می شود.

تبصره ۳- بانک مرکزی می تواند با تصمیم هیأت انتظامی بانکها، مجوز تملک مالک واحد در سطوح بیش از ده درصد (۱۰٪) را ابطال نماید.

تبصره ۴- اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی و غیرایرانی، از تاریخ ابلاغ این قانون در شمول حکم این ماده یکسان هستند.

ماده ۲- در ماده (۶) قانون، اصلاحات زیر صورت می پذیرد:

الف- بند (۳) به شرح زیر اصلاح می شود:

۳- مجموع حق مالکیت مستقیم و غیرمستقیم سهام و عضو (کرسی در هیأت مدیره) در هر بنگاه اقتصادی تا سقف چهل درصد (۴۰٪) برای اشخاص حقوقی موضوع بند (۱) این ماده، که قانوناً مجوز فعالیت اقتصادی دارند، مجاز می باشد.

ب- تبصره (۲) بند (۳) به شرح زیر اصلاح می شود:

تبصره ۲- اشخاص حقوقی موضوع بند (۱) این ماده و شرکتهای تابعه و وابسته آنها مکلفند مجموع حق مالکیت مستقیم و غیرمستقیم سهام و کرسی مدیریتی (سهام در هیأت مدیره) در هر بنگاه اقتصادی مازاد چهل درصد (۴۰٪) را از تاریخ تصویب این اصلاحیه به صورت مرحله ای حداکثر تا سه سال پس از ابلاغ این قانون واگذار نمایند. اشخاص حقوقی مذکور مکلفند گزارش اجرای این تبصره را حداکثر ظرف مدت یک ماه پس از واگذاری مازاد سهام یا هر شش ماه یکبار به شورای رقابت و سازمان بورس و اوراق بهادار ارائه نمایند.

ماده ۳- در ماده (۱۲) قانون، اصلاحات زیر صورت می پذیرد:

الف- در بند (۱)، عبارت نیم درصد (۰/۵٪) به پنج درصد (۵٪) اصلاح می شود.

ب- بند (۲) به شرح زیر اصلاح می شود:

۲- اشخاص حقوقی سهامدار شرکت تعاونی سهامی عام، هرگاه خود، تعاونی فراگیر ملی، تعاونی سهامی عام یا شرکت سهامی عام باشند، حداکثر حق مالکیت بیست درصد (۲۰٪) سهام را داشته و سایر اشخاص حقوقی متناسب با تعداد سهامداران مستقیم و غیرمستقیم خود حداکثر حق مالکیت ده درصد (۱۰٪)

از سهام را خواهند داشت. در مواردی که تعاونی سهامی عام در حوزه فعالیت‌های پولی و بانکی وارد شود احکام ماده (۲) این قانون بر این ماده قانونی حاکم خواهد بود.

پ- در بند (۵)، عبارت «می‌تواند با بلوک‌بندی برگزار شود» جایگزین «با بلوک‌بندی برگزار خواهد شد» می‌شود.

ماده ۴- تبصره (۳) ماده (۲۴) قانون، اصلاحی مصوب ۱۳۹۵/۶/۷، حذف می‌شود.

ماده ۵- یک تبصره به شرح زیر به ماده (۳۱) قانون با عنوان تبصره (۱) اضافه و شماره تبصره قبلی به (۲) تغییر می‌کند:

تبصره ۱- در هر موردی که مزایایی از قبیل حق اولاد، کمک‌هزینه عائله‌مندی، کمک‌هزینه ازدواج، عیدی، فوت و بیمه عمر و حوادث بازنشستگان برای کارکنان و بازنشستگان بنگاه و اگذارشده مقرر بوده است و به واسطه واگذاری، کارفرمای بخش غیردولتی و صندوق بازنشستگی کشوری بر مبنای قوانین، تکلیفی برای پرداخت مزایای مقرر ندارد، دولت مکلف است هر ساله در لایحه بودجه سنواتی کل کشور پیش‌بینی لازم را در بودجه صندوق بازنشستگی کشوری بابت بازنشستگان شرکتهای واگذارشده که میزان آن همه ساله توسط صندوق بازنشستگی کشوری محاسبه و به سازمان برنامه و بودجه اعلام می‌شود، به عمل آورده و اینگونه پرداخت توسط صندوق بازنشستگی کشوری صورت گیرد.

ماده ۶- به ابتدای بند (۵) ماده (۵۸) قانون، عبارت «تعیین مصادیق و» اضافه می‌شود.

ماده ۷- متن زیر جایگزین ماده (۵۹) قانون می‌شود:

ماده ۵۹- شورای رقابت مکلف است در حوزه کالاها و خدماتی که بازار آنها به تشخیص این شورا مصداق انحصار بوده و نیازمند تأسیس نهاد مستقل (تنظیم‌گر) است، پیشنهاد تأسیس و اساسنامه نهاد (تنظیم‌گر بخشی) را به دولت ارسال نماید. هیأت دولت مکلف است ظرف مدت سه ماه از دریافت پیشنهاد شورای رقابت، اقدام قانونی لازم را جهت تأسیس نهاد مزبور انجام دهد.

تأسیس نهادهای تنظیم‌گر بخشی تنها به موجب قانون و با رعایت احکام ذیل امکان‌پذیر خواهد بود.

تبصره ۱- مرکز ملی رقابت انجام وظایف دبیرخانه و پشتیبانی این نهادها را برعهده دارد.

تبصره ۲- اساسنامه نهادهای تنظیم‌گر بخشی باید موارد زیر را در برگیرد:

الف- حیطه اختیارات نهاد تنظیم‌گر به گونه‌ای است که:

۱- آن دسته از وظایف و اختیارات شورای رقابت که به نهاد تنظیم‌گر بخشی واگذار می‌شود، مشخص شود.

۲- وظایف و اختیارات تعیین‌شده برای نهاد تنظیم‌گر از وظایف شورای رقابت و سایر دستگاهها و نهادها سلب شود.

۳- هیچ‌یک از نهادهای تنظیم‌گر بخشی نتواند مغایر با این قانون یا مصوبات قبل و بعدی شورای رقابت در زمینه تسهیل رقابت تصمیمی بگیرد یا اقدامی کند.

مرجع تشخیص و حل و فصل مغایرت‌ها، شورای رقابت است و ترتیبات اجرای آن با توجه به ملاحظات هر حوزه در اساسنامه نهاد تنظیم‌گر مشخص می‌شود.

ب- ترکیب اعضای نهاد تنظیم‌گر و شرایط انتخاب آنها به گونه‌ای است که:

۱- به منظور واگذاری تمام یا بخشی از اختیارات موضوع ماده (۶۱) این قانون، دو نفر از قضات به انتخاب و حکم رئیس قوه قضائیه در ترکیب اعضای نهاد تنظیم‌گر بخشی عضویت داشته باشند.

۲- ترکیب اعضای متشکل از نمایندگان دستگاههای اجرایی ذی‌ربط، نمایندگان بخشهای غیردولتی و صاحب‌نظران درحوزه‌های حقوقی و اقتصادی باشند.

۳- الزامات ساختاری مربوط به استقلال نهادهای تنظیم‌گر بخشی شامل ترتیباتی که در مواد (۵۵) و (۵۶) این قانون برای اعضای شورای رقابت ذکر شده، برای اعضای نهادهای تنظیم‌گر بخشی نیز رعایت شوند.

۴- شرایط مندرج در بند (ب) ماده (۵۳) این قانون برای اعضاء لحاظ شود.

پ- بودجه و اعتبارات نهاد تنظیم‌گر بخشی به گونه‌ای است که:

۱- دولت از اشخاص حقوقی تحت تنظیم، عوارضی را دریافت کند و با رعایت قوانین مربوطه به عنوان درآمد اختصاصی هر یک از نهادهای تنظیم‌گر بخشی اختصاص دهد. میزان این عوارض باید به صورت سالانه در لایحه بودجه پیشنهاد شود.

۲- حداقل و حداکثر میزان عوارض مذکور برای هر بخش در اساسنامه نهاد تنظیم‌گر آن بخش تعیین شود.

ماده ۸- متن زیر جایگزین ماده (۶۳) قانون می‌شود:

ماده ۶۳- کلیه تصمیمات شورای رقابت و نهادهای تنظیم‌گر بخشی موضوع ماده (۵۹)، ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ به ذی‌نفع، صرفاً قابل تجدیدنظر در هیأت تجدیدنظر موضوع ماده (۶۴) این قانون است. این مدت برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه می‌باشد. در صورت عدم ارائه درخواست تجدیدنظر در مدت یادشده و همچنین در صورت تأیید تصمیمات شورا در هیأت تجدیدنظر، این تصمیمات قطعی هستند.

قانون فوق مشتمل بر هشت ماده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و دوم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۷/۴/۲۰ به تأیید شورای نگهبان رسید.

علی لاریجانی